

متن پرسش

با سلام و احترام: بنده با مطالعه ی کتب شما الحمدلله تا حدودی در خصوص اینکه غرب حجاب ظلمانی خاصی به بشریت عرضه کرده و خیلی هم استحقاق حلوا حلوا کردن ندارد مطالبی به دست آوردم ولی یک فردی به من گفت همان نویسنده ی محترم اگر (خدای نکرده) شبی احساس قلب درد کنند ابتدا با تکنولوژی غربی (تلفن) تماس می گیرند با اورژانس و سپس با همان تکنولوژی غربی (آمبولانس) به بیمارستان منتقل شده و دوباره با همان تکنولوژی غربی تحت عمل جراحی قرار می گیرند و... و ایشان نتیجه گرفت راه غرب خدمت به بشریت است و اتفاقاً تا کسی نفس نداشته باشد نمی تواند ابداعات و مصنوعات به آن منظمی بسازد. البته ظالم و مستکبر نیز که تکلیفش معلوم است. بنده ماندم چه جوابی به ایشان بگویم هرچند قلباً مطالب شما را پذیرفته ام.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید که در همان کتاب‌های مربوط به نقد غرب این تذکر داده شده است که ما در شرایطی نیستیم که از گرفتاری‌هایی که تکنولوژی برای ما ایجاد کرده است، خود را آزاد کنیم. عمده آن است که متوجه باشیم این تکنولوژی نسبت ما را با طبیعت به هم زده است و مسلّم در این راستا آن نوع زندگی که ما می‌توانستیم بدون این تکنولوژی داشته باشیم را، دیگر نداریم. آری اگر بنا است به خاطر تکنولوژی فاصله‌ها زیاد باشد و بیماری‌ها از جمله بیماری قلب به روش غربی و با جراحی‌هایی که غرب در تصرف در بدن به میدان آورده است، استفاده کنیم حتماً همان آمبولانس را می‌خواهیم با همه‌ی تجهیزات. اما آیا نمی‌توانستیم به روش طب سنتی و در بستر رشد دادن تدبیر نفس ناطقه اگر قلب‌مان قابل درمان بود، درمان کنیم؟ و اگر هم نفس بنای درمان کردن قلب را نداشت، شرایط را فراهم کنیم تا با آرامش کامل بدن را ترک کند؟ این‌ها مباحثی است که در مجموعه کتاب‌های نقد غرب و کتاب «هنر مردن» به آن پرداخته شده است. موفق باشید